تاملی بر حقوق سیاسی در ایران

«مصونیت وکیل و آزادی دفاع»

دکتر علی مندنی پور وکیل دادگستری

اشاره :

یکی از شاخصه‌های توسعه سیاسی به آزادی‌و مصونیت وکلا در بستر و چارچوب قانون شناخته می‌شود.
ایران اسلامی‌به دلیل آنکه شرایط نوینی از قانونمداری را تجربه می‌کند، به نهادینه شدن قانون درراستای‌حقوق مردم و چگونگی ارتباط وکیلان و موکلان امید زیادی‌بسته است.
آنچه درزیر می‌خوانید نمونه‌ای از کوشش‌های یکی از دوستداران حاکمیت قانون در عرصه حقوق ومطالبات‌مردم ایران است. دکتر علی مندنی‌پور در این مقاله می‌کوشد موانع و نقاط تاریک مصونیت و کیل و آزادی‌دفاع وکلا را در حقوق سیاسی‌ایران روشن سازد تا بدین وسیله گام دیگری‌را برای توسعه سیاسی‌در ایران و نهادینه کردن حاکمیت قانون به ثبت رساند.

شکایت قاضی‌بابایی رئیس شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، از آقای‌محمد علی‌دادخواه وکیل محترم دادگستری مطروحه درشعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی‌تهران، تحت عناوین اتهامی «اغفال رئیس دادگاه»، «افترا»و «بیان مذاکرات غیرعلنی خارج از دادگاه» و به دنبال آن صدور قرار عدم صلاحیت از جانب قاضی مرتضوی ریاست شعبه ۱۴۱۰ به صلاحیت و شایستگی دادسرای انتظامی کانون وکلا به استناد مواد۱۵ و ۱۷ قانون وکالت، مرابرآن داشت تا بدون ورود درجزئیات و ظرایف قضایی که درجای‌خود سخن بسیار دارد، نه درکسوت وکالت دادگستری که درجایگاه یک شهروند این آب و خاک، ضمن تحسین این تصمیم بجا و قانونی، و به امید تداوم چنین حرکت‌های منطقی، قانون مدارانه، در خورانتظار، اما در جای خود «بدیع !!» از دریچه قانون، اگر اجمالا به مفهوم «مصونیت» به تعبیر عام و به ویژه «مصونیت وکلای دادگستری درمقام وکیل و آزادی دفاع» در حقوق ایران و نیز کنکاشی پیرامون این مفاهیم و کاربرد آنها درنظام حقوقی فرانسه نظر می کنیم تا زمینه‌ای برای این مقوله فراهم نمایم، امید است این پژوهش دستمایه‌ای برای روشنگری فضای باز نقد و بررسی و ارائه دیدگاه‌ها ونظرات صاحب نظران مسائل حقوقی، اعم از حقوقدانان، وکلای دادگستری، قضات و اساتید دانشگاه فراهم سازد و زمینه ساز پربار کردن هر چه بیشتر و بهتر آگاهی‌های‌حقوقی و در نتیجه کمک به نهادینه کردن اصل احترام و تمکین به «قانون» به عنوان سنگ زیربنای‌عدالت، نظم و امنیت جامعه باشد.

مصونیت (immunite)

مصدرجعلی است، که از اسم معفول، «مصون» پدید آمده، و به معنی «محفوظ بودن از تعرض» به کار رفته است. صیانت مصدر اصلی است، که در متون فارسی به وفور به کار رفته و مصون بودن نیز مرادف آن است.

در بررسی سیر تاریخی پیدایش اصطلاح «مصونیت» در حقوق ایران برای‌نخستین بار در اصل ۱۲ قانون اساسی مشروطه به آن برمی‌خوریم.

«به هیچ عنوان و به هیچ دستاویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی‌حق ندارد، متعرض اعضای‌آن بشود...»

و از «تعرض‌ناپذیر بودن» حقوق شهروندان در اصل نهم متمم همین قانون چنین یاد می‌شود:

«افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند.»

مفهومی که دگر باره در اصول ۲۰ و ۲۲ قانون یاد شده تکرار گردیده.

قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به نوبه خود این حق مسلم و مشروع شهروندی را در اصل ۲۲ با این عبارت به رسمیت شناخته است:

«حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است ...»

و این چنین بود که مفاهیمی همچون «مصونیت» و «تعرض‌ناپذیری» به تدریج در فرهنگ ادبیات حقوقی ما وارد شده و می‌رود تا با همه موانع و مشکلات موجود سر راه، سرانجام جایگاه واقعی خویش را به دست آورد. از نتایج مصونیت، مسوول نبودن و تعرض ناپذیر بودن است. بدین معنا که دارنده مصونیت که امتیاز خاصی است؛ در برابر گفته‌ها و نوشته‌هایی‌که در حین انجام وظیفه یا به سبب آن مرتکب گردیده از تعرض مصون است و همانند افراد عادی تحت تعقیب کیفری قرار نمی‌گیرد؛ مگر پس از طی تشریفات لازم و قانونی و برطرف شدن حالت مصونیت.

اصل بر برابری آحاد مردم در مقابل قانون است، با این وصف که هرکس بالطبع مسوول و جوابگوی اعمال خویش است و در صورتی که جرمی مرتکب گردید، بایستی در یک چارچوب اصولی، ضمن رعایت موازین قانونی مجازاتی متناسب در حق وی اعمال گردد و نه بیشتر، چه این خود اصلی است به رسمیت شناخته شده درتمامی سیستم‌های‌حقوقی دنیا و از جمله حقوق کیفری اسلام.

پرسش این است
فلسفه وجودی دفاع از مصونیت
وکیل دادگستری چیست و پوشیدن
ردای مصونیت بر قامت دارنده
این عنوان چه نتایج سودمندی را برای
کیان جامعه به ارمغان خواهد آورد؟
در جواب به این سوال باید گفت عدالت
در کنار آزادی ونظم، اساس تمدن
یک ملت را شکل می‌دهد و از این رو پیوندی
ناگسستنی بین آنها وجود دارد

اما مصونیت چنانکه از مفهوم آن متبادر می‌شود، استثنایی است براین اصل و فلسفه وجودی‌آن قبل از هرچیز دراین واقعیت نهفته است؛ و آن اینکه قانونگذاران که خود به این اصل بنیادی و حیاتی‌تحت عنوان «برابری‌و تساوی‌حقوق شهروندان» معتقد بوده و آن را در سرلوحه قوانین اساسی‌دنیا به خط خوش نگاشته‌اند؛ هم آنان نیز در جهت صیانت ازحقوق حقه وباهدف دفاع از منافع ومصالح مردم، مصلحت کار را در آن دیده‌اند تا کسانی را در شرایط خاص و تعریف شده قانونی، به واسطه شغل و سمت رسمی‌شان در جایگاه وکالت و نمایندگی همین مردم از این امتیاز استثنایی که همان «مصونیت» است، بهره‌مند سازند. حرکتی‌که در تحلیل نهایی درراستای نفع عمومی جامعه صورت می‌پذیرد، مصونیت یک عنصر وابسته و ضروری و یک مکمل قانونی‌دارد، و آن «اهانت ناپذیربودن» است. بدین تعبیر که اگر دارنده مصونیت قانونی به مناسبت انجام وظایف محوله و یا در حین آن مورد اهانت و افترا قرار گیرد، عامل و به عبارت دیگر مرتکب این عمل در قالب قانونی جرم ارتکابی تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات می‌گردد.

«در همه قوانین جهان برای کمال برخورداری از مصونیت نه تنها دارندگان آن را تعرض ناپذیر تشخیص داده‌اند؛ بلکه صاحبان این امتیاز را از اهانت ناپذیر بودن نیز بهره‌مند داشته‌اند.»

مصونیت در قوانین عادی و اساسی شامل:

الف مصونیت پارلمانی (immunite Parlementaire) برای نمایندگان قوه مقننه.

ب: مصونیت سیاسی (immuniteDiplomatique) برای نمایندگان سیاسی دولت‌های مقیم کشور.

ج: مصونیت اداری (immuniteMinistrielle) برای وزیران.

د: مصونیت قضائی (immunite Judiciaire) برای قضات است.

گرچه درباب جلوگیری از اهانت در دایره حقوق عمومی موادی در قانون کیفری سابق و نیز قانون مجازات اسلامی (مجازات عمومی) گنجانیده شده، اما درخصوص جامعه وکلای دادگستری به عنوان یک نهاد مدنی مستقل‌به‌رغم جایگاه والا، حساس و نقش تعیین کننده این مجموعه در جهت اعاده حقوق مردم (از جنبه خصوصی‌و عمومی) و رویارویی اجتناب ناپذیر این نهاد با صاحبان قدرت و مکنت (در بسیاری از موارد) و در نتیجه میزان شکنندگی‌و آسیب پذیری این قشر به تبع شرایط خاص شغلی در جامعه و اصولا نفس کار وکیل در دفاع از حق با همه موانع و دست اندازهای پیش رو، جا داشته و دارد از پوشش مصونیت کامل‌تری بهره‌مند می‌شد!!

اما در این میان از نظر محفوظ بودن از اهانت در حین انجام وظیفه یا به سبب آن ماده ۲۰ لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ کمیسیون های مشترک مجلسین به این دغدغه پایان داد و تا حدی این نقیصه را جبران نمود و با تصویب این ماده موجبات دلگرمی هر چه بیشتر وکیل را در انجام وظیفه قانونی خویش و در دفاع از حق و حقیقت فراهم آورد؛ امری که میسر نبوده و نخواهد بود؛ مگر به پشتگرمی و حمایت قانون.

ماده ۲۰: «هرکس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید، به حبس جنحه‌ای از ۱۵ روز الی ۳ ماه محکوم خواهد گردید.»

پرسش این است، فلسفه وجودی دفاع از مصونیت وکیل دادگستری چیست و پوشیدن ردای مصونیت بر قامت دارنده این عنوان (وکیل‌دادگستری) چه نتایج سودمندی را برای کیان جامعه به ارمغان خواهد آورد؟

در جواب به این سوال باید گفت؛ عدالت در کنار آزادی ونظم، اساس تمدن یک ملت را شکل می‌دهد و از این رو پیوندی ناگسستنی بین آنها وجود دارد، عدالت بدون آزادی و نظم بی‌معناست و فرضیه‌ای توخالی‌بیش نیست. نظم بدون عدالت و آزادی به استبداد منجر می‌گردد، و آزادی بدون نظم و عدالت نتیجه‌ای جزهرج و مرج و ناامنی نخواهد داشت. اما عدالت به نوبه خود برپایه‌ها و لاجرم معیارهایی استوار است. یکی‌ازاین معیارها جایگاه ویژه وکیل دادگستری است؛ که هرجامعه‌ای برای جایگاه و نقش عدالت‌قائل می‌باشد.

با توجه به نقش وکیل در تامین عدالت و امنیت و اینکه وکیل دادگستری درمرتبه معاضد قضایی قرار دارد، و از آنجایی که عدالت هدف غایی و نهایی زندگی‌است، بنابراین جامعه نیازمند وچشم براه خدمات ارزنده یاوران عدالت و حامیان حق و حقیقت است.

«...وکیل مدافع برای‌پاسداری از حقوق و جلوگیری از تعدیات و اجحافات و راهنمایی ماموران و دادرسان، ممانعت از عملیات قانون شکنانه و اقدامات خودسرانه، حفظ اصول قانون اساسی و مبانی دموکراسی نیازمند دارابودن مصونیت است، که بدون ترس ازتوقیف و تعقیب بتواند از حق دفاع و درمسیر پیکار با ستم و حمایت از ستمدیدگان ازاین سپرقانونی‌بهره برده، و با استقلال قانونی‌کامل به خدمات خویش ادامه داده، آزادی وکیل دربرابردادگاه‌ها، در تنظیم دادخواست‌ها، تذکرات و دفاع از منافع و مصالحی که به او سپرده شده؛آزادی در انتخاب روش و شکل دفاع با خدمت شریف وکالت ملازمه ناگسستنی دارد.

گرچه تبصره ۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۷۰/۷/۱۱ وکیل را در موضع دفاع از احترام و تامینات شاغلین شغل قضا برخوردار کرده است، اما اصولا این امتیاز در میدان آزمایش کمتر بروز عملی به خود گرفته و از طرفی با توجه به حساسیت و ظرافت کار و نیز جوهره خطر آفرین حرفه وکالت، جا دارد که دایره این مصونیت به مراحل مختلف حرکت وکیل در مسیر انجام وظیفه وکالتی خویش تسری داده شود.

در واقع شعاع وسیع‌تری از میدان عمل وکیل را در بربگیرد، نه‌فقط در «موضع دفاع» آنگونه که مجمع تشخیص مصلحت بدان اذعان دارد، بلکه این پوشش قانونی (مصونیت) پهنه کامل حوزه وظیفه وکالتی را شامل شود ودر چنین شرایطی است که وکیل قادر خواهدبود فارغ از هر نوع تهدید و ارعاب و تطمیع، بدون ترس و واهمه از برخوردها و فشار اهرم‌های‌قدرت به وظیفه قانونی خویش در چارچوب اصول و ارزش‌های مقبول جامعه، جامه عمل پوشانده، و هیچ عامل و یا عوامل بازدارنده‌ای موجبات عدول وی را از موازین انصاف، عدالت و قانون فراهم نگرداند.

بخش دوم این نوشته را به مبحث وکیل دادگستری در جهت برخورداری کامل از آزادی با بررسی اجتماعی سیر و مشخصه‌های این قاعده از دیدگاه حقوق فرانسه اختصاص می‌دهیم.

به روایت تاریخ پیدایش و تکامل علم، سابقه پیدایش مفهوم «مصونیت» در ادبیات حقوقی اروپا به بیش از ۶۰۰ سال پیش (قرن ۱۴) باز می‌گردد، که پس از طی یک مسیر طولانی و پرکشش با پایمردی و استقامت مبارزان راه آزادی و استقلال در این قاره و به ویژه در کشورهای انگلستان و فرانسه؛ سرانجام مهمترین و کارآمدترین نوع این مصونیت‌ها از دریچه حقوق اجتماعی و سیاسی یعنی مصونیت پارلمانی ۲۱۳ سال پیش توسط خطیب و انقلابی معروف فرانسوی «میرآبو» Mirabeau در روز ۲۳ ژوئن ۱۷۸۹ (۲۱ روز قبل از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه) به مجلس موسسان پیشنهاد و به تصویب رسید و همچون بسیاری از درس‌های آموزنده و فراگیر انقلاب این کشور به سایر جوامع راه یافت.

در حقوق فرانسه از قاعده «مصونیت» در فرمان قانونی ۱۴ دسامبر ۱۸۱۰ و قانون ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۱ سخن به میان آمده و پذیرش این واقعیت که آزادی در دفاع مستلزم وجود مصونیت برای وکیل دادگستری است، از فرمان قانونی‌و قانون یاد شده منبعث گردیده. ماده ۴۱ قانون ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۱ در همین زمینه مقرر می‌دارد: «گفتارهای بیان شده (اعلامی) و نوشته‌های تسلیم شده به دادگاه‌ها به وسیله وکلای‌مدافع به هیچ وجه عنوان افترا ناسزا یا اهانت پیدا نمی‌کند و وکیل از مصونیت برخوردار است.»

بدین ترتیب ضرورت‌های ناشی ازدفاع به وکیل امکان و اختیار می‌دهد که در دادگاه‌ها ازآزادی تام و تمام و استقلال کامل استفاده نماید.

و اما شرایط استفاده وکیل از این امتیاز یعنی «مصونیت» آن است که ضرورت دارد آنچه تحت عنوان افترا یا اهانت در بیانات، نوشته‌ها و تذکرات وکیل آمده است، اصولا در ارتباط با موضوع وکالت بوده و با چارچوب شکایت یا دادخواست ارتباط منطقی داشته باشد. برطبق این قانون دادگاه‌ها موظف‌اند ضمن تحقیق و تجسس مراتب تشخیص و نظر خویش را مبنی براینکه گفته‌ها و نوشته‌های‌وکیل به موضوع وکالت ارتباط دارد یاخیر، اعلام دارند. در صورتی‌که درقالب قانونی درپیشگاه دادگاه احراز گردد، وکیل مدافع از تعرض معاف و از تعقیب مصون بوده و شاکی‌بنابه تشخیص دادگاه به پرداخت خسارت محکوم خواهد شد.

وانگهی وکیل درمقام دفاع از موکل خویش درخصوص تذکرات بجا و تند به دادستان در مرحله تعقیب کیفری در دادسرا و همین طور اعلام جرم وکیل درمتهم کردن دیگری با هدف الزام دادسرا به انجام تجسس‌های فشرده و فوری در دفاع از حقوق قانونی موکل دارای مصونیت می‌باشد. زیرا در این قبیل موارد نه تنها وظیفه وکیل انجام دفاع از حقوق موکل در یک چارچوب مشروع و اصولی است، بلکه وظیفه ارائه طریق در جهت کشف جرم‌و تعقیب مجرم را نیز به صورت تذکر به عهده دارد، محاکم قضایی‌فرانسه این اعلام جرم‌ها را فاقد جنبه خطا و مسوولیت برای وکیل تشخیص داده‌اند. قرار گرفتن حوزه چتر اطمینان بخش مصونیت و احساس مسوولیت انجام این امور در دایره قانون از جانب وکیل علاوه برروشن شدن حقایق و ایفای‌نقش معاضد قضایی‌به وکیل امکان استفاده از آزادی در دفاع و استقلال رای‌رامی‌دهد.

در خارج از این قالب به کارگیری هر نوع حرکتی که از مصادیق قانونی‌افترا و یا اهانت محسوب شود؛ مسوولیت وکیل را درپی خواهد داشت.

بنابراین سایه این مصونیت آنگاه از بالای سروکیل رخت برخواهد بست که افترا و یا اهانت از دایره موضوع وکالت خارج بوده، در چنین شرایطی است که متضررین از این حرکت (طرف دعوی و یا شخص ثالث) قانونا توان تعقیب وکیل را خواهند داشت.

ذکر این نکته ضروری است که در متن ماده یاد شده «بیانات و نوشته‌ها»ی وکیل کلیه خطابه‌های وی در نزد محاکم و مراجع قضایی از نقطه شروع یک موضوع وکالتی، دادخواست‌ها، شکوائیه‌ها، جواب‌ها و دفاعیات در برابر اظهارات طرف ولوایح و نتیجه‌گیری و تذکرات و یادداشت‌های پس از اقامه دعوی و یا طرح شکایات را شامل می‌شود و در تمام این مسیر وکیل از مصونیت آزادی دفاع برخوردار است.

حدود آزادی دفاع:

در این قسمت عینا جهت آگاهی هر چه بیشتر علاقه‌مندان ترجمه زیر از حقوق فرانسه در ارتباط با مبحث حدود آزادی دفاع وکیل دادگستری تقدیم می‌گردد. «حدودی که برای آزادی دفاع تعیین شده بر مبنای مقررات یا عرف به شرح زیر است:

الف: در برابراحترام به قانون و اقتدار محاکم و نظم عمومی ماده ۴۱ قانون ۲۱ ژوئن ۱۹۴۱ وکلا را از هر عمل خلاف سوگند وکالتی در نوشته‌ها وبیانات ممنوع می‌دارد.

وکلا باید همه موجبات مربوط به نظم سیاسی یا مذهبی را رعایت نمایند، یقینا وکلا حق دارند در شکایت‌ها و مدافعات خود بحث و انتقاد از تصمیمات قضایی را طرح نمایند. خاصه در مورد پژوهش و فرجام از احکام بدوی‌و استینافی اما این بحث و انتقاد باید مقرون به صواب بوده و با نزاکت انجام گیرد.

همچنین وکیل می‌تواند از قوانینی که برعلیه دعوی یا شکایت وی‌مورد استناد قرار گرفته انتقاد نماید و حتی‌می‌تواند از مضرات چنین قوانینی صحبت کند و یاتاکید نماید که قوانین مزبور فایده خود را از دست داده است و باید الغا ونسخ شود، اما هرگز نباید احترام خود را نسبت به‌قوانین و نظم عمومی فراموش کند. باید انتقاد وبحث متناسب و متعادل باشد.

ب: تمام قواعد و اصطلاحاتی که وکیل در بیانات و شکایات خود به کار می‌برد باید صحیح باشد، وکیل باید از کلمات مبتذل هزل، شوخی‌زننده (ادبیات غیرمودبانه) مطالب دور از ذهن و انحرافی، خطابه‌های تلخ و طعنه آمیز خودداری نماید.

وقتی‌که نامه‌ای را می‌خواند که عبارات ناشایست دارد، از خواندن آنها اجتناب کند.

در دعاوی مربوط به امور سری و ناموسی که جلسه دادگاه، غیرعلنی (Huis Clos) است از مطالب خیلی صریح و توصیفی که احساسات شنونده را برمی‌انگیزد خودداری نماید.

ج: مصونیت آزادی دفاع به جهت وظیفه درستکاری و پاکدامنی (Probite) که یک تعهد اخلاقی بنیادی است محدود می‌گردد.

وکیل نباید هر دعوایی را طرح کند و هروسیله‌ای‌را مجاز بشمارد. وجدان خدمتی‌و حرفه‌ای وکیل احساس شرف انسانی احترام لباس وکالت که در بردارد، باید او را وادار نماید که امور نامناسب ارجاعی را نپذیرد و شکایات و نوشته‌های خود را وسیله حمایت شاکی‌دارای‌سوء نیت قرار ندهد.

نباید در برابر درخواست تاخیر در انجام تعهد یا تعویق پرداخت از طرف موکل، موجبات تطویل دادرسی را فراهم سازدو هرگز نباید ادعاهای‌غیرقابل حمایت و دفاع ناپذیر را قبول و طرح نماید.

وکیل مسوولیت خود را سنگین خواهد ساخت وقتی‌که برای پیش بردن دعوی موکل، امور راوارونه جلوه دهد و از طبیعت اصلی‌منحرف سازد یا وقایع ناصحیح را اثبات نماید.

وکیل نباید عقاید علمی یا رویه قضایی را به طور ناقص ارائه دهد یا در خواندن نامه یا رای یا لایحه قسمتی را که به ضرر موکل است حذف نماید. بلکه آنچه را در ضمن یک شکوائیه یا رسیدگی قرائت می‌نماید، باید صحیح و کامل باشد.

د: مصونیت آزادی در دفاع محدود است با تعهد منحرف نساختن واقعیات و نتایج اختلافات مورد رسیدگی.

رئیس دادگاه حق دارد صحبت وکیل را قطع نماید و برای روشن شدن موضوعات از وی تحقیق کند و به وی تذکر دهد که از منحرف ساختن موضوع دعوی اجتناب نماید.

وقتی‌که از طرف خوانده یا مجلوب، دفاعی را برعهده دارد و مواجه باشد با اعلام دادگاه به اینکه موضوع به قدر کافی استماع شده، باید از ادامه بحث خودداری کند.

اما در صورتی‌که وکیل احساس کند که به مطالبی کشانده می‌شود که جنبه افراطی و تجاوز از اختیارات قانونی دارد، یا نامناسب با وضع موکل است یا به وی ضرر می‌رساند، می‌تواند نتایج این امر را تصریح نماید و توجه دادگاه را به آن معطوف سازد. سپس او می‌تواند به دادرسی اعتراض نماید و از تجاوزی که به حق دفاع می‌شود، جلوگیری کند.

در صورتی‌که جریان امر حاد و شدید باشد رئیس کانون (وکلا) را فورا آگاه سازد و او را به مداخله وادارد.

ه: آزادی دفاع و مصونیت برمبنای ماده ۴۱ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ در مورد مطبوعات محدود گردیده، برای اینکه حملات رهبری‌شده به وسیله وکیل در بیانات ونوشته‌هایی علیه خوانده یا اشخاص ثالث از مصونیت بهره‌مند گردد، باید نوشته‌ها و بیانات مزبور با حسن نیت تنظیم شده و از دفاع مربوطه و دایره محاکمه خارج نباشد.

در صورتی‌که بیانات و نوشته‌های‌افترا آمیز یا موهن از حدود موضوع خارج باشد و یا با سوءنیت انجام گیرد وکیل خود را در معرض تعقیب کیفری، مسوولیت مدنی‌وضرر و زیان می‌بیند و اگر ضمنا قصور در انجام وظیفه یا خلاف شوون وکالت نیز باشد، مستلزم تعقیب انتظامی هم خواهد بود.

طرف شرکت کننده در دادرسی‌می‌تواند رونوشت مطالب را برای تعقیب وکیل از دادگاه تحصیل نماید و دادگاه می‌تواند دستور دهد که وکیل مطالب افترا آمیز یا موهن ناشی از سوء نیت یا غیرمرتبط به دفاع و محاکمه را از گفته و نوشته خود حذف نماید.

اما در صورتی که نوشته‌ها و گفته‌های‌افترا آمیز یا موهن با تشخیص خود وی، برای دفاع ضروری باشد، هیچ گونه اثری در تعقیب کیفری وکیل نخواهد داشت و متضرر فقط می‌تواند درخواست ضرر و زیان نماید. کانون (وکلا) نیز می‌تواند وکیل را از ۲ ماه تا ۶ ماه از کار وکالت معلق سازد.

هرگاه وکیل نوشته‌ها و بیانات افترا آمیز و اهانت آمیز را در دسترس عموم قرار دهد، یا به وسیله مطبوعات منتشر سازد به علت این که نشان دهنده سوء نیت و اضرار غیرو خارج از محاکمه و بی‌ارتباط به دفاع است مرتکب جرم افترا و اهانت می‌گردد.

حمایت وکیل از اهانت و تهدیدی‌که ممکن است در ضمن دادرسی نسبت به وی انجام گیرد.

وکیل که وظیفه دفاع موکل را به عهده می‌گیرد، اکثرا ناچار از افشای حقایق است، این حقایق ممکن است برای طرف و اشخاص ثالث زیان آور باشد. همچنین ممکن است انجام دفاع و طرق و وسایل انتخابی، جنبه حمله داشته باشد.

عدالت بدون آزادی و نظم بی‌معناست و
فرضیه‌ای توخالی‌بیش نیست
نظم بدون عدالت و آزادی به استبداد
منجر می‌گردد و آزادی بدون نظم و عدالت
نتیجه‌ای جزهرج و مرج و ناامنی
نخواهد داشت، اما عدالت به نوبه خود
برپایه‌ها و لاجرم معیارهایی استوار است.
یکی‌ازاین معیارها جایگاه ویژه
وکیل دادگستری است؛ که هرجامعه‌ای
برای جایگاه و نقش عدالت‌قائل می‌باشد

در این قبیل موارد وکیل ممکن است از طرف خوانده یا از ناحیه اشخاص ثالث مورد اهانت و تهدید وحتی تعدی عملی قرار گیرد. در این مورد باید دید که آیا وکیل در برابر این خطرات مصونیت دارد؟

وکیلی‌که در حین انجام وظیفه وکالتی و یا به سبب آن مورد اهانت و تعدی و تهدید واقع شود، می‌تواند این موضوع را به شکل شکایت در دادسرا طرح‌کند. در این صورت دادسرا بلافاصله اقدام خواهد کرد و مقررات کیفری پیش بینی شده در ماده ۸۸ و مواد بعدی قانون آیین دادرسی مدنی برای جرائم ارتکابی این محاکمه را به نفع وکیل و زیان مرتکب اجرا خواهد کرد.

وکیل مورد حمله واهانت می‌تواند علیه مرتکب دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم طرح و خسارت لازم را مطالبه نماید. به امید روزی‌که وکیل دادگستری در ایران نیز از چتر حمایتی کامل قانون در مراحل مختلف انجام وظیفه وکالتی بهره‌مند گردد.

ماخذ:

۱ - مجله کانون وکلای دادگستری، سال بیست و نهم، شماره ۱۳۳، زمستان ۱۳۵۴.
۲ - ترمینولوژی حقوق دکتر جعفری لنگرودی.
۳ - حقوق فرانسه.
۴ - حقوق اساسی سابق.
۵ - حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران